

A Review of Effectiveness of Teaching Philosophy to Children on Critical Thinking Skills of Sixth-Grade Students

Nayereh Shahmohammadi*

Abstract

The current study aims to investigate the impact of teaching philosophy to children on critical thinking skills of sixth-grade elementary students in the city of Rey. It is an applied and quasi-experimental research study using the pretest-posttest design involving a control group. Among the statistical population consisting of female students in the sixth-grade elementary school at the city of Rey, a number of 60 subjects were selected as the research sample. The subjects were randomly assigned to two experimental and control groups (n= 30). The teaching process for the experimental group was implemented during 10 one-hour sessions; however, the control group continued their normal activities with no additional training sessions. The teaching was done using Lipman's approach to philosophy for children (P4C). The research instrument was the Ricketts' (2003) Critical Thinking Disposition Questionnaire for which the reliability was obtained after a pilot test on 30 students using the Cronbach's alpha of 0.82. The Analysis of covariance (ANCOVA) method was carried out for data analysis. The results indicate that teaching philosophy to children has a significant impact on their critical thinking and its components (creativity, commitment, maturity), also it enhances the levels of critical thinking among the sixth-grade elementary students being studied.

Keywords: Philosophy for Children, Critical Thinking, Creativity, Commitment, Maturity.

* Assistant Professor, Organization for Educational Research and Planning (OERP), Ministry of Education, (Corresponding Author), nsh_teh@yahoo.com

Date received: 05/04/2020, Date of acceptance: 23/07/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تفکرانتقادی دانش آموزان پایه ششم

نیره شاه محمدی*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر تفکرانتقادی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهری است. این پژوهش از نوع کاربردی و تجربی و به روش نیمه آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل صورت گرفت. از میان جامعه آماری دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهری، ۶۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. آن‌ها در دو گروه ۳۰ نفری کنترل و آزمایش به صورت تصادفی گمارده شدند. آموزش برای گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه یک‌ساعته انجام شد اما گروه کنترل بدون دریافت آموزش به فعالیت معمول خود ادامه دادند. آموزش با استفاده از برنامه آموزش فلسفه برای کودکان لیپمن صورت گرفت. ابزار پژوهش پرسشنامه تفکرانتقادی ریکتس بود که پایایی آن پس از اجرای اولیه بر ۳۰ دانش‌آموز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تحلیل گردید. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکرانتقادی و مؤلفه‌های آن (خلاقیت، تعهد، بالندگی) تأثیر معناداری داشته است و موجب افزایش آن در دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهری شده است.

کلیدواژه‌ها: "فلسفه برای کودکان"، "تفکرانتقادی"، "خلاقیت"، "تعهد"، "بالندگی"

* استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران، nsh_teh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲

۱. مقدمه

از بین دوره‌های تحصیلی رسمی قبل از دانشگاه، دوره ابتدایی به لحاظ رشد، تربیت و تکوین شخصیت کودکان دوره بسیار مهمی است. این دوره را دوره اطاعت، تأدیب، خلاقیت و بروز استعدادهاى عمومی هم گفته‌اند. از آنجایی که یکی از ویژگی‌های اساسی دانش آموزان این دوره آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر است، برنامه‌های آموزشی این دوره لازم است اندیشیدن، پرسیدن و درست انتقاد کردن را در دانش آموزان ارتقاء دهند. (دره زرشکی، برزگر فرونی و زندوانیان، ۱۳۹۶) و با تربیت انسان‌های متفکر و خلاق، تفکر انتقادی را در آنها پرورش دهند (سرمدی، رضایی، روحانی فر، ۱۳۹۸).

تفکر انتقادی از کلمه یونانی «کریتیک» (Critic) گرفته شده که به معنی هنر قضاوت است (Miller and Mclean, 2010) تفکر انتقادی را به عنوان تفکر منطقی و مستدلی تعریف می‌کنند که مرکز توجه آن تصمیم‌گیری و قضاوت در مورد باورها و اعمال است. به اعتقاد لیپمن (Lipman, 2008) وقتی فردی تلاش می‌کند تا مباحث را دقیقاً تحلیل کند، مدارک معتبری جست و جو کند و به نتیجه‌گیری‌های معتبر برسد، تفکرش انتقادی خواهد بود. تفکر انتقادی شامل دو جنبه مهارت تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی است. جنبه مهارت تفکر انتقادی بر راهبردهای شناختی و جنبه گرایش به تفکر انتقادی بر اجزای نگرشی تفکر و انگیزه پایدار درونی برای حل مسائل تأکید دارد. مهارت‌های تفکر انتقادی به خودی خود، نوعی از مهارت‌های شناختی است. (Miller and Mclean, 2010). این نوع از تفکر دارای سه مؤلفه تفکر خلاق، تعهد و بالندگی است (Glaser, 2017)

تفکر خلاق فرایند احساس خلاءها و اختلال عناصر غایب، شکل دهی ایده‌ها و فرضیه‌هایی درباره آنها، آزمودن این فرضیه‌ها، برآورد نتایج، تعبیر و آزمودن دوباره این فرضیه‌ها است. انسان برای خلق نشاط و پویایی در زندگی نیازمند تفکر خلاق است تا انگیزه تنوع طلبی خود را ارضا کند (بختیارپور، برون، برون و حیدری، ۱۳۹۴). بالندگی را تنظیم سازگارانۀ تحولی می‌دانند که در نتیجه آن افراد فراتر از منافع شخصی حرکت کرده و ضمن ارزش نهادن به نظام اجتماعی، مروج برابری، دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی فردی بوده و خود را متعهد به عمل می‌دانند. نشانگرهای بالندگی در افراد عبارت از موفقیت تحصیلی، کمک به دیگران، ارزش نهادن به تفاوت‌ها، حفظ سلامت شخصی، توان رهبری، مقاومت در برابر خطر و توان غلبه بر سختی‌ها است (Scales and Benson, 2009). تعهد نوعی نگرش است، نیرویی که شخص را مقید به انجام عمل یا اهدافی می‌نماید. تعهد

حالتی است که فرد توسط فعالیت‌های خود ملزم می‌شود و از این طریق باور به ادامه آنها دارد. (Ennis, 2011) با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده، می‌توان اذعان کرد که تفکرانتقادی، یک فرایند پیچیده ولی هدفمند است که اطلاعات بدست آمده از آن معقول و منطقی است. این نوع تفکر، منعکس کننده تفکر و تعمق است بدان معنی که چگونگی می‌توان روی تفکرات خود جهت دستیابی به نتایج مورد نیاز، تمرکز نمود. پرورش این نوع از تفکر در دانش آموزان سبب می‌شود دید نقادانه نسبت به مسائل خود و جامعه داشته باشند و مقلد صرف اندوخته‌های دیگران نباشند، بیندیشند و با تفکر نقاد نظام‌های ارتجاعی فکری، سیاسی و اجتماعی را در هم بریزند و با این مهارت‌ها سبب تحولات عمیق در زندگی خود و دیگران در جامعه بشوند (یوسفی و گردان شکن ۱۳۹۰)

متأسفانه به رغم تأکید و توجه به تفکر نقادانه در اهداف نظام‌های آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان و مجریان آموزشی در عمل برای تشویق دانش آموزان خصوصاً در مدرسه ابتدایی در جهت تفکر و بویژه به کارگیری تفکرانتقادی، اراده و انگیزه کافی وجود ندارد. (کریمیان پور، سیدکلان و عیاری، ۱۳۹۵) مدارس به دلیل کمبود امکانات آموزشی و بهره نگرفتن مناسب از نیروی متخصص در این زمینه از روش‌های آموزشی متناسب در جهت رشد تفکرانتقادی استفاده نمی‌کنند. (کیخا، ۱۳۹۶) معلمان نیز با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکرانتقادی راه آموزش بیشتر و بهتر را هموار می‌کند، با استفاده از شیوه‌های غالبی و حذف واقعیت‌ها و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه حفظ کردن اطلاعات درسی را فراهم می‌کنند. آنان این نکته را فراموش کرده‌اند که حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن دانش آموز از اطلاعات مرتبط و نامرتبط با زندگی واقعی، سبب به هدر رفتن هزینه‌ها، امکانات و توان افراد می‌شود (کریمیان پور، سیدکلان و عیاری، ۱۳۹۵). باید در نظر داشت که اگر میزان تفکرانتقادی در دانش آموزان پایین باشد، سطح خلاقیت، خودکارآمدی تحصیلی، اجتماعی و هیجانی در این افراد پایین آمده و در نتیجه میزان موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تضعیف می‌شود. (صادقی، رادمهر و یوسف‌وند، ۱۳۹۵) بنابراین لازم است معلمان فرصت‌هایی را برای تمرین مهارت‌ها و روش‌های تفکرانتقادی برای دانش آموزان تدارک ببینند و با استفاده از روش‌های نوین تدریس زمینه‌های یادگیری، توسعه تفکرانتقادی و افزایش اعتماد به نفس را در دانش آموزان فراهم آورند (Jassen, Mainhard, Buisman et al., 2016)

با عنایت به اهمیت و نقش تفکرانتقادی و تاکید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر پرورش تربیت یافتگانی که از توان تفکر و درک و کشف پدیده‌ها و رویدادها به عنوان آیات الهی برخوردار باشند (سند تحول آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)

برای آموزش تفکر به دانش آموزان برنامه‌های متعددی تدوین و استفاده شده است، یکی از موفق‌ترین و پرکاربردترین برنامه‌های موجود، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان (Teaching Philosophy for Children) است. با توجه به دیدگاه‌هایی که درباره فلسفه وجود دارد، فلسفه را به دو گونه می‌توان آموزش داد؛ در دیدگاه اول، آموزش فلسفه انتقال اندیشه‌های فلسفی به یادگیرندگان است و در دیدگاه دوم عبارت از یاد دادن چگونگی اندیشیدن است. (سجادیان جاغرق و همکاران ۱۳۹۶).

این برنامه توسط ماتئو لیپمن (Mathew Lipman) و همکارانش در دانشگاه مونتکلر ایالات متحده (Montclair University in United State) تهیه شده است. (Austin, 2020) لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان از رویکرد مسئله محور (Problem Based Approach) استفاده می‌کند. او معتقد است که معلمان باید برای جلب علاقه شاگردان مطالبی را مطرح کنند که متضمن شوک و شگفتی فکری باشد. (Lipman, 2008) فیشر (Fisher) معتقد است که این برنامه روشی موفق در آموزش تفکر است. (Fisher, 2019) هدف این برنامه با سایر برنامه‌های فلسفه کاربردی اندکی متفاوت است. به بیان دیگر، این برنامه نمی‌خواهد موضوعات فلسفی را برای غیر فیلسوفان روشن کند و مسائل آن‌ها را حل نماید، بلکه می‌خواهد به دانش آموزان کمک کند تا خودشان کار فکری بکنند و مسائل خود را حل نمایند (سجادیان جاغرق، قانلی و امیری، ۱۳۹۴).

در برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان، تمام عناصر یک برنامه درسی از قبیل هدف، محتوا، نقش معلم و شاگرد، روش تدریس، اصول طراحی و سازمان‌دهی یک برنامه درسی مدنظر قرار گرفته است. (همان). هسته مرکزی این برنامه دربرگیرنده تعدادی داستان‌های فلسفی همراه با کتاب‌های راهنمای معلمان است. این داستان‌ها پر از معما، پرسش و مسائلی پیرامون مفاهیم رقابت‌طلبی و حوادث ویژه کودکان هستند که محرکی برای تفکر، پرسش و تفکرانتقادی در آنان می‌باشد (Topping, Trickey and Cleghorn, 2019). برنامه فلسفه، برای پرورش توان پرسش‌گری و تفکرانتقادی که هر دو از مؤلفه‌های پژوهش‌گری هستند، برای کودکان الگوی مناسبی را در حلقه کندوکاو ارائه می‌دهد. در این برنامه تلاش می‌شود کودکان را تشویق کرد تا با فرایند ذهنی شخصیت‌های داستان ارتباط برقرار کنند و

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر انتقادی ... (نیره شاه محمدی) ۱۰۱

به دنبال پاسخی برای ابهامات و نکات شگفت‌انگیز داستان باشند از این طریق آن‌ها هم شیوه پرسش و پاسخ را در پیش می‌گیرند و هم برای آن ارزش قائل می‌شوند. (Murriss et al, 2016)

اهداف کلی برنامه فلسفه برای کودکان، آموزش روش فکر کردن، ایجاد مباحثه فلسفی به‌وسیله آفرینش اجتماع پژوهشی در سطح کلاس و پرورش تفکر انتقادی است. (Topping, Trickey and Cleghorn, 2019). این برنامه به‌عنوان ابزاری اساسی برای رشد خلاقیت، کودکان، به دانش آموزان کمک می‌کند تا بهتر استدلال کنند (Falah, Yamini and Mahdian, 2020).

برنامه فلسفه برای کودکان دارای ویژگی‌هایی چون: مهارت‌های شناختی، ارزیابی دلایل و عقاید، کشف و تجزیه و تحلیل مفاهیم، شناسایی لایه‌های زیرین احتمالات و فرضیه‌ها، دیدن پیوستگی‌ها، شناسایی استدلال‌های غلط، آزمون فرضیه‌ها و تعمیم نتایج، تنظیم سؤالات (Murriss, 2016)، روشن‌سازی ایده‌ها، تنظیم مباحث، تصحیح کردن و تغییر دادن مباحث از پاسخ به انتقاد، پیدا کردن مثال‌ها و مثال‌های مرتبط، پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، دیدن گسترده‌تر چشم‌اندازها و دیدگاه‌ها، تنظیم و آزمون معیارها، ثابت‌قدم بودن، خود تصحیحی، مهارت‌های مشارکتی، خوب گوش کردن به دیگران، داشتن ذهنی باز، احترام به دیدگاه دیگران، اطمینان به بیانات خود، تمایل به پیشنهاد انتقادی، تمایل به پذیرش و پاسخ به انتقادات، اقدامات شایسته و مناسب برای کاوشگری و ارزش قائل شدن به عقلانیت است. (Lipman, 2008)

پژوهش‌های مروری و فرا تحلیلی متعددی در زمینه آموزش فلسفه برای کودکان انجام پذیرفته است. تجربه جهانی و شواهد به‌دست‌آمده در بیش از ۵۰ کشور جهان نشان می‌دهد که «فلسفه برای کودکان»، به افزایش عملکردهای غیر شناختی از جمله مهارت‌های ارتباطی، همدلی، انصاف و عدالت (Siddiqui, Gorard and see, 2019)، به پرورش شهروندانی دموکراتیک، فعال و آگاه (Burgh, 2018)، افزایش خودگردانی (Cassidy, Conrad and Figueiroa-Rego, 2018) رشد مهارت‌های فکری (Roche, 2015) در کودکان کمک می‌کند این برنامه تأثیر بسزایی بر ویژگی‌های فردی کودکان مانند دغدغه‌ها، تفکرات، باورها و تعاملات اجتماعی آنان دارد (Lamb, 2016)، به رشد توانایی استدلال و رشد شناختی (Bleazby, 2009) کمک کرده و اعتماد به نفس آنان را افزایش می‌دهد (Nia, 2015) برنامه فلسفه برای کودکان منجر به افزایش دانش و حساسیت و نگرانی محیط زیستی (سرمدی،

رضایی و روحانی فر، ۱۳۹۸) بهبود رفتار مدنی-تحصیلی و مؤلفه‌های آن یعنی یاری‌رساندن و مشارکت اجتماعی (قبادیان، ۱۳۹۸) کاهش احساس تنهایی و ناامیدی (چراغ زاده، کردنوقایی و سهرابی، ۱۳۹۸) بهبود رفتار مدنی-تحصیلی و مؤلفه‌های آن یعنی یاری‌رساندن و مشارکت اجتماعی (قبادیان، ۱۳۹۸) افزایش توانایی برای تعامل با هم‌تایان و کاهش معنادار سرزنش خود (محمدیان و فرقانی، ۱۳۹۷) در کودکان می‌گردد. برنامه فلسفه برای کودکان بر تفکر منطقی و ابعاد آن استنباط، استنتاج، تعبیر و تفسیر و ارزشیابی استدلال‌های منطقی (دره زرشکی و همکاران، ۱۳۹۶) و رشد مهارت‌های اجتماعی مؤثر است (قبادیان، ۱۳۹۴) و باعث بهبود آن‌ها می‌شود. تمامی این پژوهش‌ها نشان از تأثیر مثبت آموزش فلسفه برای کودکان می‌باشند.

با توجه به اهمیت و ضرورت پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان و اینکه یکی از اهداف اصلی برنامه آموزش فلسفه به کودکان، پرورش تفکر انتقادی در آنان می‌باشد، به همین دلیل در این پژوهش به بررسی میزان تأثیر آموزش فلسفه بر تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن (خلاقیت، بالندگی و تعهد) در دانش‌آموزان پایه‌های ششم ابتدایی شهرری پرداخته شده‌است که در این رابطه فرضیات زیر مطرح می‌شود:

۲. فرضیه‌ها

۱.۲ فرضیه کلی پژوهش

آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری تأثیر دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی

۲.۲ فرضیه‌های جزئی پژوهش

الف) آموزش فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری تأثیر دارد.

ب) آموزش فلسفه برای کودکان بر بالندگی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری تأثیر دارد.

ج) آموزش فلسفه برای کودکان بر تعهد دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری تأثیر دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را می‌توان در قلمرو پژوهش‌های تجربی (نیمه آزمایشی) در نظر گرفت. با توجه به محدودیت عدم امکان نمونه‌گیری تصادفی و برای اعمال حداکثر کنترل در پژوهش، طرح پژوهش حاضر از نوع آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون همراه با گروه کنترل و جایگزینی تصادفی بود. در این پژوهش آزمودنی‌ها را به صورت تصادفی در دو گروه قرار گرفتند و سپس به صورت تصادفی یکی از گروه‌ها به عنوان گروه آزمایش و گروه دیگر به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. دو گروه آزمایش و کنترل یکبار قبل از اجرای بسته آموزشی و یکبار بعد از اجرای بسته آموزشی مورداندازه‌گیری قرار گرفتند.

۱.۳ جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود. به منظور انتخاب نمونه با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس یک مدرسه دوره دوم ابتدایی از شهرری مشخص شد. سپس دو کلاس ۳۰ نفره پایه ششم ابتدایی آن‌که از نظر میانگین معدل پیشرفت تحصیلی مشابه بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار داده شدند. گروه آزمایش برنامه آموزشی را در ۱۰ جلسه یک‌ساعتی دریافت کرد ولی گروه گواه هیچ مداخله‌ای را دریافت نکرد. برای کنترل حداکثری متغیرهای تعدیل‌کننده از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد.

۲.۳ ابزارهای اندازه‌گیری

به منظور گردآوری اطلاعات در بخش میدانی، از پرسشنامه تفکرانتقادی (Ricketts, 2003) استفاده شد. پرسشنامه تفکرانتقادی دارای ۳۳ سؤال و شامل ۳ زیرمقیاس است. قسمت اول شامل ۱۱ سؤال برای سنجش مقیاس خلاقیت، قسمت دوم شامل ۹ سؤال در خصوص مقیاس بالندگی و قسمت سوم شامل ۱۳ سؤال برای مقیاس تعهد است که آزمودنی بر اساس مقیاس ۵ گزینه‌ای به آن پاسخ می‌گوید. نمره‌گذاری پرسشنامه: ۱ = کاملاً مخالف، ۲ = مخالف، ۳ = نامشخص، ۴ = موافق، ۵ = کاملاً موافق بود. پایایی این پرسشنامه توسط ایزدی فرد و سپاسی آشتیانی (۱۳۸۹) به وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۹۴ و برای آزمودنی‌های دختر ۰/۹۵ و برای آزمودنی‌های پسر ۰/۹۲ گزارش شده است. در

پژوهش حاضر نیز پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر اجرا شد و پایایی هر یک از مؤلفه‌های خلاقیت، بالندگی و تعهد بر اساس آلفای کرونباخ (Cronbach's alpha) به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ به دست آمد و پایایی کل پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۳ محاسبه شد.

۳.۳ روش اجرا

پژوهش حاضر با رویکرد «فلسفه برای کودکان» در ۱۰ جلسه یک‌ساعتی (هر هفته ۲ جلسه) برای گروه آزمایش صورت گرفت. محتوای جلسات آموزشی بر اساس کتاب بهانه‌هایی برای فکر کردن: روشی برای پرورش تفکر فلسفی در کودکان و نوجوانان اثر محبوبه اسپیدکار (۱۳۹۵)، طراحی شده است. پنج جلسه اول با تمرکز بر رابطه افکار و هیجان‌ها، خطای ادراکی، قضاوت صحیح، عدم قطعیت و درک صحیح روابط علی-معلولی (به‌منظور کاهش احساس تهدید، تعارض و خود سرزنشی) و پنج جلسه آخر نیز با تمرکز بر انگیزه‌های مختلف افراد در رسیدن به اهداف طراحی شده بود. اهداف و محتوای جلسات در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: شرح جلسات آموزش فلسفه

شماره جلسه	موضوع	فعالیت‌ها
جلسه اول	لمس یک شیء با چشمان بسته و بحث در مورد ماهیت آن، سپس ارائه شیء و ذکر دلایل برای تشخیص احتمالی اشتباه، بررسی موقعیت‌های مشابه در روابط میان فردی و نقش تکیه صرف بر حواس، اطلاعات ناقص و در نتیجه ادراک غلط	اخذ پیش‌آزمون، معارفه و یادگیری قوانین کارگاه، اهمیت پیش‌فرض‌های ذهنی در احساس و ادراک و خطای ادراکی
جلسه دوم	مشاهده بخشی از اشیاء داخل جعبه از داخل یک سوراخ کوچک و حدس زدن ماهیت آن، بررسی موارد مشابه منجر به قضاوت و حدس اشتباه آن‌ها در زندگی، احساس و رفتار تجربه‌شده و بررسی گزینه‌های متفاوت تفکر در آن موقعیت.	توجه هم‌زمان به جزئیات و کلیات برای قضاوت منطقی، نقش تفکر در کنار حواس برای ادراک دقیق‌تر و رویدادها
جلسه سوم	قرار دادن اجزای صورت در صورتک‌های مقوایی در محل‌های دلخواه و بررسی احساس آن‌ها در روبرو شدن با صورتک‌های غیرمعمول و عجیب. بررسی شکل‌های متفاوت نگاه کردن به یک رویداد، احساسات مثبت و منفی مربوط با آن و رابطه نگاه متفاوت و احساس متفاوت.	دوری از تعصب در روبرو شدن با تغییرات مثبت و منفی در زندگی

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر انتقادی ... (نیره شاه محمدی) ۱۰۵

بررسی روش‌های مختلف تولید گرما مانند استفاده از کش لاستیکی به‌عنوان یک روش متفاوت، بررسی موقعیت‌هایی در زندگی که پس از بررسی بیشتر، افراد متوجه اشتباه خود در تشخیص علت بروز یک مشکل شده‌اند.	درک روابط علی و معلولی و احتمال وجود دلایل چندگانه برای یک رویداد	جلسه چهارم
مرور وقایع زمانی نزدیک (امروز و دیروز) بدون صحبت کردن و در سکوت. بررسی موقعیت‌هایی که تفکر و صحبت و یا تفکر به‌تنهایی صورت گرفته است و افکار مثبت و منفی مرتبط و شیوه‌های متفاوت تفکر برای پرهیز از عصبانی، نگران و یا غمگین شدن	بررسی رابطه تفکر و زبان و استمرار جریان تفکر حتی در سکوت	جلسه پنجم
ارائه داستان در جستجوی قطعه گمشده و بررسی علت احساس ناقص بودن دایره و رها کردن قطعه گمشده پس از یافتن آن. بررسی دلایل کودکان از انجام تکالیف درسی در منزل و یا انتظارات تحصیلی در مدرسه و مقایسه احساسات و اهداف و پیامدهای تجربه‌شده در هر موقعیت.	بررسی مفاهیم ذهنی «تمام» بودن و یا کامل بودن	جلسه ششم
ادامه مباحث جلسه گذشته و نتیجه‌گیری نهایی در مورد احساس خوب دایره با وجود آنکه بدون قطعه ماند و تمام و کامل نشد.	بررسی مفهوم کمال در ارتباط با انگیزه‌های درونی و خودگردان افراد	جلسه هفتم
پخش پویانمایی هورتون	بررسی دلایل و اهداف مختلف افراد در مسیر رسیدن به موفقیت تحصیلی.	جلسه هشتم
پرسیدن سؤال‌هایی در ارتباط با پویانمایی هورتون که شامل عملکرد قهرمانان و مشکلات آن‌ها در نجات شهر ذره‌ای می‌شود. بررسی شباهت بین کودکان و قهرمانان پویانمایی با توجه به موقعیت‌های تحصیلی و انگیزه‌ها و دلایل متفاوت آن‌ها در طی مسیر موفقیت تحصیلی	بررسی دلایل و اهداف مختلف افراد در مسیر رسیدن به موفقیت تحصیلی	جلسه نهم
ارائه داستان «دانه نی» و طرح سؤال در ارتباط با نمادها در مرحله تولد، مرگ و تبدیل نی به نیستان در بافت زندگی انسانی، جمع‌بندی جلسات و پس‌آزمون	بررسی دلایل و اهداف مختلف افراد در مسیر رسیدن به موفقیت در زندگی	جلسه دهم

در طول مدت آموزش، هردو گروه آزمایش و کنترل، در کلاس‌های آموزشی مدرسه به‌صورت یکسان شرکت داشتند و از دانش آموزان گروه آزمایش خواسته شد که در فاصله بین جلسات تا پایان دوره مداخله، از بیان کردن گفت‌وگوها و برنامه‌های جلسات آموزشی با دانش آموزان گروه کنترل خودداری کنند.

۴.۳ تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به دست آمده از شاخص‌های آمار توصیفی مثل میانگین و انحراف استاندارد، کجی یا چولگی و انحراف معیار استفاده شد. برای بررسی فرضیات پژوهش از آمار استنباطی استفاده گردید ابتدا نرمال بودن داده بررسی سپس آزمون تحلیل کواریانس (Covariance test) استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۱.۴ داده‌های توصیفی و استنباطی

جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن در گروه‌های آزمایش و کنترل، در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون را نشان می‌دهد که نشان از افزایش میانگین نمرات کلی تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن در پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون در گروه آزمایش دارد که این نشان‌دهنده تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان در گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل است.

جدول شماره (۲): میانگین و انحراف معیار نمرات تفکر انتقادی در گروه‌های آزمایش و کنترل، در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	گروه	تعداد	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تفکر انتقادی	آزمایش	۳۰	۳۱/۵۱	۱۱/۴۷	۴۳/۲۵	۱۴/۴۶
	کنترل	۳۰	۴۱/۴۶	۱۲/۵۳	۴۲/۱۲	۱۳/۱۷
خلاقیت	آزمایش	۳۰	۲۱/۴۵	۸/۴۷	۲۳/۲۶	۱۱/۳۴
	کنترل	۳۰	۲۸/۴۹	۱۱/۶۳	۲۸/۶۲	۱۱/۷۰
بالندگی	آزمایش	۳۰	۲۰/۵۴	۱۱/۷۶	۲۲/۳۴	۱۳/۴۵
	کنترل	۳۰	۲۶/۵۲	۱۰/۶۳	۲۶/۶۴	۱۰/۷۵
تعهد	آزمایش	۳۰	۲۲/۵۲	۱۲/۰۴	۲۴/۲۷	۱۴/۲۱
	کنترل	۳۰	۳۱/۴۲	۱۳/۵۷	۳۲/۰۲	۱۳/۷۸

برای بررسی مفروضه‌ها و معنی‌داری تفاوت‌های مشاهده‌شده بین متغیرهای فوق از تحلیل کواریانس استفاده شد. در این راستا ابتدا مفروضه‌های لازم جهت انجام این تحلیل بررسی شد که نتایج هر کدام از آن‌ها به تفکیک در زیر گزارش گردیده است:

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تفکرانتقادی ... (نیره شاه محمدی) ۱۰۷

جدول شماره (۳) نتایج آزمون شاپیرو ویلک (Shapiro-Wilk) برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش است. توزیع متغیرها در پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و گواه نرمال است چراکه مقادیر W محاسبه شده در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار نیست ($P > ۰/۰۵$).

جدول شماره (۳): نتیجه آزمون طبیعی بودن با آزمون شاپیرو-ویلکز برای بررسی توزیع نرمات

متغیرهای وابسته	آماره نرمال بودن		سطح معناداری	
	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
تفکرانتقادی	۲/۰۴۹	۰/۸۹۱	۰/۱۵۲	۰/۴۰۶

در جدول شماره (۴) نتایج آزمون لوین (Leven's Test) جهت بررسی همگنی واریانس‌های بین گروه‌ها آورده شده است. نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد که پیش فرض همگنی واریانس‌ها بین گروه‌ها محقق شده است چراکه F های محاسبه شده در سطح آلفای (۰/۰۵) معنی دار نیست ($P > ۰/۰۵$).

جدول شماره (۴): نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض همگنی خطای واریانس‌ها

متغیرهای وابسته	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
تفکرانتقادی	۰/۳۳۱	۱	۲۸	۰/۵۷۰

جدول شماره (۵) نتایج آزمون ام‌باکس (MBox) برای بررسی همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس را نشان می‌دهد، بر اساس نتایج این آزمون، چون سطح معنی داری به دست آمده بزرگ‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد، بنابراین داده‌های تحقیق فرض تساوی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس را زیر سؤال نبرده است.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون ام‌باکس (MBox) مبنی بر همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس

متغیرهای وابسته	آماره آزمون ام‌باکس	آماره آزمون F	سطح معناداری
تفکرانتقادی	۵۳/۶۷۷	۱/۰۲۴	۰/۴۳۰

جدول شماره (۶) نتایج تحلیل همگنی شیب رگرسیون در نرمات تفکرانتقادی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مندرج در این جدول، پیش فرض همگنی شیب‌های رگرسیون در گروه‌های مورد مطالعه محقق شده است چراکه مقدار F تعامل متغیر مستقل و هم‌تغییر در متغیر وابسته در سطح آلفای (۰/۰۵) معنی دار نیست ($P > ۰/۰۵$).

جدول شماره (۶): نتایج همگنی شیب خط رگرسیون

منعبرهای پژوهش	منبع تغییرات	آماره آزمون F	سطح معناداری
تفکرانتقادی	گروه* پیش‌آزمون	۲/۲۱۱	۰/۲۹۸

با توجه به برقراری مفروضه‌های مربوطه، برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در ذیل آمده است:

۲.۴ فرضیه کلی پژوهش

آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکرانتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه کلی تحقیق از تحلیل کوواریانس استفاده شد. جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون اثر معنی‌دار متغیر مستقل با متغیر وابسته وجود داشت. $(P < 0/001, F = 23/116)$ در نتیجه چنین استنباط می‌شود که تفاوت بین میانگین‌های تعدیل‌شده دو گروه در مرحله پس‌آزمون معنادار بوده، بدین معنی که آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکرانتقادی دانش‌آموزان تأثیر داشته است و موجب افزایش آن شده است؛ بنابراین فرضیه کلی تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۷): خلاصه تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزش فلسفه بر تفکرانتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۱۷۵/۳۹۱	۱	۱۷۵/۳۹۱	۷/۵۵۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۹
تفکرانتقادی (اثر گروه)	۵۸۳/۲۷۴	۱	۵۸۳/۲۷۴	۲۳/۱۱۶	۰/۰۰۱	۰/۶۸۰
اثر خطا	۶۲۷/۱۳۰	۲۷	۲۳/۲۲۷			

۳.۴ فرضیه‌های جزئی پژوهش

الف) آموزش فلسفه برای کودکان بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرری تأثیر دارد.

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تفکرانتقادی ... (نیره شاه محمدی) ۱۰۹

ب) آموزش فلسفه برای کودکان بر بالندگی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهری تأثیر دارد.

ج) آموزش فلسفه برای کودکان بر تعهد دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهری تأثیر دارد.

جدول شماره (۸) آزمون تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر آموزش فلسفه برای کودکان بر مؤلفه‌های تفکرانتقادی (خلاقیت، بالندگی و تعهد) در دانش آموزان پایه‌های ششم ابتدایی شهری را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول، مقدار F محاسبه شده برای مؤلفه خلاقیت ($F=17/84, P<0/001$)، مؤلفه بالندگی ($F=21/38, P<0/001$) و مؤلفه تعهد ($F=11/12, P<0/001$) در سطح آلفای ($0/05$) معنی دار است؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که در مرحله پس‌آزمون بین میانگین نمرات مؤلفه‌های خلاقیت، بالندگی و تعهد در دو گروه مورد مطالعه، تفاوت معنی داری وجود دارد و آموزش فلسفه برای کودکان موجب افزایش مؤلفه‌های تفکرانتقادی در دانش آموزان شده است؛ بنابراین تمام فرضیه‌های جزئی تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرند.

جدول شماره (۸): خلاصه تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزش فلسفه بر مؤلفه‌های تفکرانتقادی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۱۷۷/۰۱	۱	۱۷۷/۰۱	۱۰/۶۹۱	۰/۰۰۱	۰/۳۸
خلاقیت (اثر گروه)	۵۹۶/۱۲۰	۱	۵۹۶/۱۲۰	۱۷/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۷۴
اثر خطا	۱۴۷/۳۴	۲۷	۱۴۷/۳۴			
پیش‌آزمون	۱۸۱/۲۰۴	۱	۱۸۱/۲۰۴	۱۳/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۶۴
بالندگی (اثر گروه)	۶۰۴/۲۱۷	۱	۶۰۴/۲۱۷	۲۱/۳۸	۰/۰۰۱	۰/۸۳
اثر خطا	۱۵۸/۶۱	۲۷	۱۵۸/۶۱			
پیش‌آزمون	۱۷۹/۶۱	۱	۱۷۹/۶۱	۱۱/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۵۳
تعهد (اثر گروه)	۵۸۴/۴۸	۱	۵۸۴/۴۸	۱۵/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۷۵
اثر خطا	۱۹۷/۶۲	۲۷	۱۹۷/۶۲			

۵. بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن تأثیر معناداری داشته و موجب افزایش آن در دانش آموزان ابتدایی شده است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگری از جمله پژوهش‌های دره زرشکی و همکاران (۱۳۹۶)، عابدینی نظری (۱۳۹۵)، رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، نادری و همکاران (۱۳۹۱)، نیا (Niya, ۲۰۱۵) تا حدودی در این راستا صورت گرفته‌اند، همسو است که همگی نشان از تأثیر مثبت آموزش فلسفه بر تفکر انتقادی دانش آموزان می‌باشند.

مطابق دیدگاه لیپمن کودکی که در مهارت‌های تفکر خیره شده است، صرفاً کودکی نیست که بزرگ شده است، بلکه کودکی است که ظرفیت رشد او افزایش یافته است (لیپمن، شارپ و اسکانیان، ۱۳۹۵) کودکی که به ابزار تفکر مجهز بوده روش‌های صحیح تفکر را می‌داند در راه مواجهه با دنیای در حال تغییر و چالش‌های آن موفق عمل می‌کند و به سمت یک زندگی سالم و معقول هدایت می‌شود. در جامعه متکثر و متنوع امروز که کودکان با انتخاب‌های متعدد و متنوع مواجه‌اند، باید دارای قدرت قضاوت و انتخاب صحیح و نیز توانایی تفکر نقادانه باشند. به همین دلیل از اهداف اساسی هر نظام آموزشی، تربیت انسان‌های هشیار و آگاهی است که تفکر خود را بر پایه استدلال صحیح و منطقی بنا نهاده، در برخورد با دنیای پیرامون خویش با اندیشه‌ای جامع و عمیق، جوانب مختلف امور را بررسی نموده و از انعطاف بالایی در مواجهه با مسائل زندگی برخوردار باشند (مؤمنی مهمونی و پرورش، ۱۳۹۵). پرورش مهارت‌های تفکر خود راهی مطمئن برای دست یافتن به اهدافی دیگری از جمله تفکر انتقادی است. در این راستا برنامه فلسفه برای کودکان، با تکیه بر تفکر کودکان، از جمله موفق‌ترین و پرکاربردترین برنامه آموزشی کودکان است (برهمن و خدابخشی صادق‌آبادی، ۱۳۹۶) این برنامه می‌تواند از طریق آموزش روش فلسفه ورزی، فرایندهای فکری را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت آن‌ها را برای ایفای نقش مناسب در جامعه آماده سازد (لیپمن، به نقل از ویسی، میرزامحمدی و رهنما، ۱۳۹۴)

آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش کنجکاوی و پرسش‌های دانش آموزان، تمایل آن‌ها به اصلاح خود و شناخت خویشتن، احترام به دیگران، انعطاف‌پذیری، احساس یگانگی معلم و دانش آموزان می‌شود. دانش آموزان با حضور در اجتماع پژوهشی، حول محتوایی که معمولاً به شکل داستان ارائه می‌شود به بحث و گفت‌وگو در مورد مسائل موجود در جامعه و متن زندگی روزمره می‌پردازند. داستان استعاره‌هایی برای زندگی واقعی

انسان را خلق می‌کند و همچنین موجب پیوند انسان با آن است. از مشخصه‌های این استعاره تمرکز حول محور شخصیتی خاص است که هدف و انگیزه دارد و برای رسیدن به هدفش با موانعی روبه‌رو است. جریان مبارزات این شخصیت و حوادثی که برای او روی می‌دهد به خواننده هم مربوط می‌شود و او را به تفکر وامی‌دارد. آنچه در داستان ترسیم می‌شود، کم‌وبیش، شبیه آن چیزی است که هر انسانی می‌تواند در زندگی واقعی خود تجربه کند (فیشر، به نقل از هدایتی و شاطالی، ۱۳۹۲) برنامه آموزش فلسفه به کودکان، بدون نیاز به هیچ‌گونه زور و اجبار از طرف معلم، باعث ایجاد حس شایستگی و توانمندی و افزایش عزت‌نفس در دانش‌آموزان می‌شود. (Austin, 2020)

از سوی دیگر هدف اصلی آموزش فلسفه برای کودکان، تبدیل دانش‌آموزان به کاوشگرانی ماهر و جوان است. مراد از کاوشگر بودن، جستجوگر فعال و پرسشگر مصر بودن، هوشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات، آمادگی همیشگی برای مقایسه، مقابله و تحلیل فرضیه‌ها، تجربه مشاهده، سنجش و امتحان است، بنابراین در برنامه لیپمن، کلاس درس به یک جامعه پژوهشگر، به‌منظور کاوش مشترک تبدیل می‌شود و کودکان با کارگروهی مهارت تفکر منطقی خود را افزایش می‌دهند (Lamb, 2016). از طریق داستان به بحث و گفت‌وگو در مورد مسائل موجود در جامعه و متن زندگی روزمره می‌پردازد داستان استعاره‌هایی برای زندگی واقعی انسان را خلق می‌کند و همچنین موجب پیوند انسان با آن است. از مشخصه‌های این استعاره تمرکز حول محور شخصیتی خاص است که هدف و انگیزه دارد و برای رسیدن به هدفش با موانعی روبه‌رو است و جریان مبارزات این شخصیت و حوادثی که برای او روی می‌دهد به خواننده هم مربوط می‌شود و او را به تفکر وامی‌دارد. آنچه در داستان ترسیم می‌شود، کم‌وبیش، شبیه آن چیزی است که هر انسانی می‌تواند در زندگی واقعی خود تجربه کند (فیشر، به نقل از هدایتی و شاطالی، ۱۳۹۲) فلسفه برای کودکان در رهیافت لیپمن، برنامه‌ای برای آموزش تفکر نقادانه و خلاق در درک ماهیت موضوعات فلسفی میان کودکان با تأکید بر سه محور خود اصلاحگری، داشتن حساسیت معقول نسبت به زمینه و داوری بر پایه اعتماد بر ملاک‌هاست. در نتیجه این برنامه را می‌توان به‌عنوان روشی اثربخش در بهبود و افزایش تفکرانتقادی دانش‌آموزان در نظر گرفت به‌گونه‌ای که آموزش فلسفه به دانش‌آموزان باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند داده‌های درست از نادرست را از میان اطلاعات تشخیص بدهند، در مورد جایگزین‌ها و استخراج نتایج و تشخیص درستی یا نادرستی عبارات گمانه‌زنی کنند، دقت و توجه به

نظریات دیگران در آن‌ها افزایش یافته، خطاهای خود را بپذیرند و توانایی استنباط آن‌ها بهبود یابد (Roche, 2015). از آنجایی که بالندگی تنظیم سازگارانة تحولی است که در نتیجه آن افراد جوان فراتر از منافع شخصی خود حرکت کرده و ضمن ارزش نهادن به نظام اجتماعی، مروج برابری، دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی فردی می‌شوند و خود را متعهد به عمل در این زمینه می‌دانند (دژبانی، ۱۳۹۴). آموزش فلسفه به‌عنوان یک روش تأثیرگذار بر نوع نگرش و تفکر افراد، به انسان‌ها می‌آموزد تا در جامعه در کنار منافع شخصی، منافع دیگران را هم مدنظر قرار داده و ضمن اینکه به قانون و ارزش‌های جامعه اهمیت می‌دهند، آزادی فردی خود را هم در نظر بگیرند و متعهد به ارزش‌ها و قوانین جامعه در عمل بشوند (Topping, Trickey and Cleghorn, 2019) تعهد حالتی است که فرد توسط فعالیت‌های خود ملزم می‌شود و از این طریق باور به ادامه آن‌ها دارد. تعهد به افراد قدرت داده و رفتارهایشان را تحت شرایط مختلف تثبیت می‌کند در نتیجه می‌توان ابراز کرد که تعهد به سطح بالای وابستگی اجتماعی و روانی افراد به بعضی اشخاص یا اشیاء در زندگی اجتماعی اشاره داشته و توقعات، فواید شخصی، عناصر اخلاقی، ایثار و وفاداری را در برمی‌گیرد. آموزش فلسفه به کودکان باعث می‌شود که کودکان از همان دوران ابتدایی در قبال اطرافیان متعهد باشند و مسئولانه عمل کنند (یوسفی و گردان شکن، ۱۳۹۰).

لذا با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود: کارگاه و دوره‌های آموزشی-توجیهی در زمینه نقش آموزش فلسفه برای کودکان در پرورش خلاقیت، بالندگی، تعهد و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان برای معلمان، والدین و مدیران مدارس گذاشته شود. همچنین بروشورهای آموزشی در زمینه نقش و اهمیت فلسفه در رشد و پرورش مهارت تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان در تابلوهای اعلانات مدارس نصب و برای اولیای دانش‌آموزان ارسال گردد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند سازمان آموزش و پرورش را در جهت تدوین محتوای کتاب درسی با توجه به مبانی آموزش فلسفه برای کودکان و رشد تفکر در دانش‌آموزان، تهیه بسته‌های آموزشی برای رشد تفکر در دانش‌آموزان، برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان و به‌کارگیری بسته آموزشی فلسفه برای کودکان یاری رساند تا از این طریق دانش‌آموختگانی واجد توانمندی‌های شناختی و گرایش‌های عاطفی برای پژوهش و نوآوری که آرمان همه نظام‌های آموزشی دنیاست، پرورش یابند.

کتابنامه

- اسپیدکار، محبوبه (۱۳۹۵). دنیایی که نمی‌شناسم: روشی برای پرورش تفکر فلسفی کودکان و نوجوانان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۸۸ ص
- ایزدی فرد، راضیه؛ سپاسی آشتیانی، میترا (۱۳۸۹). اثربخشی درمان شناختی - رفتاری با آموزش مهارت حل مسئله در کاهش علائم اضطراب امتحان، مجله علوم رفتاری، دوره چهارم - شماره ۱ صفحه - ۲۳ تا ۲۸
- بختیارپور، سعید؛ برون، سارا؛ حیدری، علیرضا و برون، سیما. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش حل خلاق مسئله بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲ (۴): ۷۱-۵۵.
- برهمن، مریم و خدابخشی صادق آبادی، فاطمه (۱۳۹۶). آموزش فلسفه برای کودکان، پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۲ (۹)، ۱۰۳-۹۰
- چراغ زاده، مینا؛ کردنوقایی، رسول و سهرابی، زهرا (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش آموزان، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰ (۱)، ۱-۲۳
- دره زرشکی، نسرين؛ برزگر بفروئی، کاظم و زندوانیان، احمد. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش فلسفه به شیوه حلقه کندوکاو بر تفکر انتقادی در دانش آموزان دوره ابتدایی، فصلنامه روانشناسی شناختی، ۵ (۲)، ۶۱-۷۰
- دژبانی، علی (۱۳۹۴). آموزش فلسفه برای کودکان «P4C» و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی
- رضایی نورمحمد؛ پادروند، نادر؛ سبحانی، عبدالرضا و رضایی، علی محمد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش خلاقیت و مؤلفه‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۲، ص ۱۹-۲۶؛
- سجادیان جاغرق، نرگس؛ فائدی، یحیی و امیری، معصومه. (۱۳۹۴). طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ایرانی در پایه اول ابتدایی. فصلنامه پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، 1 (1)، 80-65.
- سرمدی، محمدرضا؛ رضایی، مهدیه و روحانی فر، احمد (۱۳۹۸). تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر دانش، حساسیت و نگرانی محیط زیستی دانش آموزان پایه هفتم متوسطه، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰ (۱)، ۱-۱۷
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش
- صادقی، مسعود؛ رادمهر، پروانه و یوسف‌وند، لیلیا. (۱۳۹۵). پیشبینی تفکر انتقادی بر اساس باورهای خودکارآمدی و تابآوری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران

عابدینی نظری، مرتضی. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر اعتماد به نفس و تفکر انتقادی دانش آموزان پسر دوره اول مقطع متوسطه منطقه ۶ تهران، دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

عبداللهی، نیدا؛ فتحی آذر، اسکندر و عبداللهی عدلی انصار، وحیده. (۱۳۹۳). ارتباط تفکر انتقادی با خلاقیت، باورهای خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دانشجو معلمان، پژوهش در یادگیری آموزشی، مجازی، سال دوم زمستان، شماره ۷

فرقدانی، آزاده و محمدیان بنت الهدی. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر ارزیابی تعارض بین والدین و خودگردانی تحصیلی، فصلنامه کودک و تفکر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱)۹، 53-72

قبادیان، مسلم. (۱۳۹۴). تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، فصلنامه پژوهش های تربیتی، (۱)۳۰، ۱۰-۲۵

قبادیان، مسلم. (۱۳۹۷). تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر رفتار مدنی - تحصیلی دانش آموزان پسر پایه نهم متوسطه اول، ناحیه یک خرم آباد، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱)۹، ۵۲-۳۱

کریمیان پور، غفار؛ سید کلان، سید محمد و عیاری، لیلا. (۱۳۹۴). مقایسه میزان گرایش دانش آموزان به تفکر انتقادی و خلاقیت و نوآوری بر اساس جو اجتماعی، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۲)۶، ۹۹-۱۲۰

کیخا، احمد. (۱۳۹۶). تفکر انتقادی حلقه مفقوده نظام آموزشی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی

لیپمن، متیو؛ شارپ، آن و اشکانیان، فردریک. (۱۳۹۵). فلسفه در کلاس درس، ترجمه محمد زهیر باقری نوع پرست، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مومنی مهمونی، حسین و پرورش، غفت. (۱۳۹۵). تأثیر فلسفه برای کودکان از طریق حلقه های کندوکاو بر خلاقیت، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی درس علوم دانش آموزان پایه سوم ابتدایی، فصلنامه پژوهشنامه تربیتی، (۴۷)۱۱، ۱۳۱-۱۵۰

نادری، عزت‌الله؛ شریعتمداری، علی و سیف نراقی، مریم. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» در پرورش خلاقیت دانش آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران، (۳)۵،

91-117

هدایتی، مهرانوش و شاطلی، اکرم. (۱۳۹۲). تأثیر گفت و شنود منطقی در حلقه های کندوکاو فلسفی در کاهش نشانه های اختلالات روان تنی دانش آموزان دختر ۱۱ تا ۱۲ سال شهر تهران، تفکر و

کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۲)۴، ۱۰۱-۱۱۶

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر انتقادی ... (نیره شاه محمدی) ۱۱۵

ویسی، مرضیه؛ میرزامحمدی، محمد حسن و رهنما، اکبر (۱۳۹۴) تدوین، اعتبار سنجی و رتبه بندی شاخص های مربی آموزش فلسفه به کودکان، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۲)، ۱۲۱-۱۴۳

یوسفی، علیرضا و گردان شکن، مریم. (۱۳۹۰). تفکر انتقادی، ویژه نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت، ۱۱(۹)، ۱۱۲۸-۱۱۲۰

- Austin, A. (2020). *Philosophy for All Children: enhancing knowledge*
- Benson, P. L., & C. Scales, P. (2009). The definition and preliminary measurement of thriving in adolescence. *The Journal of Positive Psychology*, 4(1), 85-104.
- Bleazby, J. (2009). Philosophy for children as a response to gender problems. *Thinking: The Journal of Philosophy for Children*, 19(2/3), 70-78.
- Burgh, G. (2018). The need for philosophy in promoting democracy: A case for philosophy in the curriculum.
- Cassidy, C., Conrad, S. J., & de Figueiroa-Rego, M. J. (2020). Research with children: a philosophical, rights-based approach. *International Journal of Research & Method in Education*, 43(1), 38-52.
- Ennis, R. H. (۲۰۱۱). Critical thinking. *Theory into practice*, 32(3), 179-186.
- Falah Mehnehj, T., Yamini, M., & Mahdian, H. (2020). The Effect of Teaching Philosophy on Metacognitive and Irrational Beliefs of Male Students of Elementary School. *Journal of Research and Health*, 10(3), 183-192.
- Fisher, A. (2019). *On What Critical Thinking Is*. Windsor Studies in Argumentation.
- Glaser, E. M. (2017). "Defining Critical Thinking". The International Center for the Assessment of Higher Order Thinking (ICAT, US)/Critical Thinking Community.
- Gregory, M. R., Haynes, J., & Murriss, K. (Eds.). (2016). *The Routledge international handbook of philosophy for children*. Taylor & Francis
- Janssen, E. M., Mainhard, T., Buisman, R. S., Verkoeijen, P. P., Heijltjes, A. E., van Lamb, W. (2016), *Philosophy for Children and the 'whole child'*. *Journal of Philosophy in Schools*, 2(2).
- Lipman, M. (2008) *A life teaching thinking*. The Institute for the Advancement of Philosophy for Children, Upper Montclair, NJ
- McLean, C. P., & Miller, N. A. (2010). Changes in critical thinking skills following a course on science and pseudoscience: A quasi-experimental study. *Teaching of Psychology*, 37(2), 85-90.
- Murriss K (2016). *The posthuman child: Educational transformation through philosophy with picture books*. Routledge Contesting Early Childhood Series. London: Routledge
- Nia, A. T. (201۵), *Foster Self-esteem in Adolescents: Lipmann Approach*. Stud, 4(1), 01-05.
- Roche, M. (2015). *Developing children's critical thinking through picture books: A guide for primary and early years students and teachers*. London: Routledge.

- Ricketts, J. C. (2003). The efficacy of leadership development, critical thinking dispositions, and student academic performance on the critical thinking skills of selected youth leaders (Doctoral dissertation, University of Florida)
- Siddiqui, N., Gorard, S., & See, B. H. (2019). Can programmes like Philosophy for Children help schools to look beyond academic attainment?. *Educational Review*, 71(2), 146-165.
- Topping, K. J., Trickey, S., & Cleghorn, P. (2019). *A Teacher's Guide to Philosophy for Children*. Routledge.

